

یادداشت

انتخابات مستمر به جای انقلاب مستمر

... چراکه برایم نفس انتخابات مهم بوده و نه آن کسی که انتخاب می‌شود، زیرا در جهان، هیچ آبرمردی با بهتر است بگویم هیچ آبرلوکومبتیوی نمی‌تواند به‌تنهایی قطار جامعه را از گرنده‌ها عبور دهد و غیر از این، اصلا هم نباید چنین باشد که همه چیز به کف باکفایت یک فرد سپرده شود. و شاید نمونه قابل اعتنا از مدیریت مترویی در جامعه ما در این ۱۲۰ سال پس از مشروطه، همین ماجرای ارسال «لایحه صیانت ۲» از سوی رئیس‌جمهور به مجلس با قید دو فوریت بود که واکنش اجتماعی گسترده در بین هواداران پزشکیان ایجاد کرد؛ واکنشی که چنان قدرتمند بود که به استرداد لایحه منتهی شد. این اتفاق را من «انتخابات مستمر» در مقابل آن معنای قدیمی «انقلاب مستمر» نام می‌دهم. اینکه انتخابات در پای صندوق رای تمام نمی‌شود و فقط موکول به حضور فیزیکی رای‌دهندگان در پای صندوق رای نیست، بلکه یک جریان مستمر از یک انتخاب تا انتخاب بعدی است و سهم‌شدن جامعه مدنی در تصمیم‌سازی‌ها، و این ممکن نمی‌شود، غیر از اینکه اولاً جامعه مدنی ابتدا در انتخابات شرکت کند و ثانیاً به جای آنکه منتظر بنشیند تا فرد انتخابی، کل قطار را به دنبال خود بکشد، با احساس مسئولیت، در تمام مسیر حاضر و فعال باشد. اتفاقی که با کنارکشیدن جامعه از صندوق رای حاصل نمی‌شود، که تجربه نشان داده کنارکشیدن جامعه از مشارکت در انتخابات، یا به رادیکالیسم یا به انفعال منتهی خواهد شد که هر دو به ضرر جامعه است. مثالش هم زیاد دور نیست. در همین هفته پیش و هم‌زمان با ماجرای رفت و برگشت «لایحه صیانت ۲»، فیلمی از گفت‌وگوی یکی از اعضای شورای انقلاب فرهنگی، در فضای مجازی دست به دست شد که بی‌شباهت به این ماجرا نبود. در این فیلم می‌بینیم که این عضو شورای انقلاب فرهنگی می‌گوید که در ماجرای حجاب، این شورا مصوبه‌ای داشت که در آن اصلا موضوع برخورد رودررو و ماجرای گشت ارشاد نبوده، ولی نمی‌دانند چگونه آن مصوبه تغییر می‌کند که حتی مرحوم رئیسی هم از آن اطلاع نداشته و پیامدش می‌شود مرگ مرحوم «مهسا» و آن تنش فراگیر اجتماعی و... معلوم نمی‌شود چگونه آن مصوبه و این لایحه، این‌طور جلو آمده که نه آن رئیس‌جمهور مرحوم متوجه شد چگونه چنان شد و نه این رئیس‌جمهور متوجه شد که چطور از ایشان امضا گرفتند. و همان‌طور که این مردم بودند که آن جنگ را با آگاهی و شعور مثال‌زدنی خود ابر گذاشتند، با این حضور مسئولانه خویش نیز لایحه‌ای را که قطعاً قصدش خیر جامعه نبود، ناکام گذاشتند و این همان انتخابات مستمر است که در میانه یادداشت اشاره کردم. در انتخابات مستمر، آنبهایی که مردم را تشویق به مشارکت کردند، از رای و کنش سیاسی خود پشیمان نمی‌شوند، بلکه مسئولانه از آن کسی که انتخاب کردند، محافظت از حقوق اجتماعی را مطالبه می‌کنند، حتی اگر از هر سو با توهین و تحقیر مواجه شوند که «این هم در آن کسی که گفتید به او رای دهبید». انتخابات مستمر یعنی همان مدیریت مترویی جامعه؛ اینکه پس از رای‌دادن به یک گوشه نخریم تا لوکوموتیو به‌تنهایی قطار را به پیش ببرد. امید که این تجربه موفق در حفاظت از رایی که دادیم، تداوم داشته باشد و به جای پشیمانی از رای، متوجه شده باشیم که نیاز به مداومت هرروزه داریم؛ تداوم مطالبه‌گری هوشمندانه و خشونت‌پرهیز.

در تراز آفتاب

علامتی است از نارسایی تدبیر و تأخیر در تصمیم، ناکارآمدی ساختار و غفلت از آینده‌ای که از راه رسیده، بی آنکه در آینه تبیین دیده شده باشد. اقتصاد نیز در چنین وضعی، از تراز بازمانده است. وقتی دخل و خرج ملی به نقطه تردید می‌رسد؛ وقتی درآمد‌های ناپایدار بر هزینه‌های قطعی تکیه می‌زنند؛ وقتی قیمت‌ها افسارگسیخته می‌تازند و فردا در دریای ابهام غوطه‌ور است! آن‌گاه سخن از عدالت، توسعه و رشد، تنها آوایی است بدون صدا و معنایی.

صدا در خلا! ما در عصری ایستاده‌ایم که پارادایم‌های سنتی، تاب رویارویی با واقعیت‌های جدید را ندارند. جهانی پرشتاب، ناپایدار، و غرق در پیچیدگی و فرایندهای غیرخطی! که نظریه‌پردازان آن را با واژه‌ای چهارلایه توصیف کرده‌اند؛ VUCA؛ جایی‌که قطعیت جای خود را به احتمال، و ثبات به سالیبت داده است. در چنین وضعی، نه زمان آزمون و خطاست، نه فرصت بازگشت. تصمیم‌هایی که امروز گرفته نمی‌شوند، فردا هزینه‌هایی تحمیل می‌کنند که جبران‌ناپذیرند. ناترازی انرژی و اقتصاد، زنجیره‌ای از واگرایی‌هاست، میان تولید و مصرف، میان بودجه و واقعیت، میان منابع و مطالبات، میان ظرفیت‌ها و رؤیاها، و هر چه این شکاف‌ها عمیق‌تر شود، اصلاح سخت‌تر و اعتماد عمومی شکننده‌تر خواهد شد. چه باید کرد؟ راه، نه در تکرار نسخه‌های کهنه، بلکه در طراحی مسیرهای جدید است. نخست باید دید، سپس شناخت، آن‌گاه سنجید و سپس عمل کرد. اصلاح الگوی مصرف، نه شعارای نمایشی، بلکه ضرورتی تمدنی است. سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های نوین، تنوع‌بخشی به سبد انرژی، و عبور آری عبور دیگر انتخاب نیست، الزام است.

باید از رؤیای خام خودکفایی گذشت و به واقع‌گرایی هوشمند رسید؛ باید با شفافیت سخن گفت، با آمار دقیق تصمیم گرفت و با بهره‌گیری از خرد اهل فن، فردا را نوشت. برنامه‌ریزی باید منططف، تصمیم‌سازی باید مشارکتی و نگاه‌ها باید میان‌نسلی باشد. گره‌های امروز، محصول غفلت دیروزند، و اگر نپذیریم، فردا از همین امروز وامداتر خواهیم شد. در این میانه، وظیفه سیاست‌گذار، فراتر از مدیریت روزمره است. او باید راه‌بیل آینده باشد؛ در تاریکی، فانوس در دست؛ در ابهام، با صدای روشن تحلیل. باید بداند که مصلحت آن نیست که آتش خاموش شود، بلکه آن است که آفتاب بتابد. اگر بخواهیم ایران در تراز آفتاب قرار گیرد، باید خود را از سایه بی‌تدبیری برهانیم. باید شجاعت بازنگری داشته باشیم؛ نه با تعارف، بلکه با تصمیم. ناترازی نه‌فقط یک بحران، بلکه یک نشانه است: نشانه فاصله‌گرفتن از مدیریت دانا و دوراندیش. و آفتاب، همیشه آنجاست؛ کافی است ابرهای غفلت کنار روند.

زیر پوست خطای لایحه جنجالی

وقتی چنین لایحه‌ای که در تعارض آشکار با شعار و سیاست دولت هم هست، از تمام مسیرها و سطوح تصمیم‌گیری مختلف دولت می‌گذرد و تا بعد از رسیدن آن به مجلس کسی در آن ساختارهای چندلایه متوجه خطرش نمی‌شود، تکلیف لوایح و تصمیمات بسیار فنی‌تر و پیچیده‌تر چیست؟ اتفاق رخ داده درباره این لایحه، اشکال بنیادینی را در ساخت و مجموعه روابط فنی و سیاسی دولت نمایان می‌کند که باید به شکل جدی به آن اندیشید و برای رفع آن چاره کرد. درواقع اصل پذیرش خطا باید در این سطح انجام شود و همه موضوع به ارسال لایحه به دولت و استرداد آن خلاصه نشود. درواقع باید این موضوع را به رسمیت شناخت که ماشین دولت در فرایند مهم تصمیم‌گیری از این دست به‌درستی کار نمی‌کند و دچار ایرادات خیلی جدی است. دولت باید پشیمانی و پذیرش اشتباه خود دراین‌باره را در اصلاح این فرایندهای پرخطا و البته غیرشفاف نشان دهد و استرداد لایحه را نمی‌توان یک رفتار اصلاحی اساسی دانست، چراکه خطاها در این حالت متولد می‌شوند.

مهسا بهادری: درحالی‌که مجلس از صداوسیما می‌خواهد

برای پلتفرم‌های داخلی تبلیغ رایگان پخش کند، وحید آگاه می‌گوید این کار، هم بی‌فایده است و هم نشانه تعارض مانع. او در این گفت‌وگو هشدار می‌دهد که اجرای شبکه ملی اطلاعات در شکل فعلی، محدود‌کردن آزادی‌های مردم است و حتی مصوبه «تسهیم درآمد محتوا» می‌تواند به ضرر اکوسیستم دیجیتال و رسانه‌ای کشور تمام شود. او تأکید دارد که به جای تصویب قانون‌های بیشتر، باید مسیر تصمیم‌گیری‌ها بازنگری شود و به حقوق کاربران به صورت جدی‌تری توجه شود. در شرایط فعلی دو مصوبه، مردم را بسیار نگران کرده است؛ یکی تصویب دو فوریت لایحه مقابله با انتشار محتوای خلاف واقع در فضای مجازی که از طرف مجلس امضا شده و دیگری لایحه تسهیم درآمد محتوا که از طرف شورای عالی فضای مجازی تصویب شده است.
اولی از مصوبه‌ای به تاریخ ۲۵ شهریور ۱۳۹۹ نشست می‌گیرد که با عنوان «طرح کلان و معماری شبکه ملی اطلاعات» طرح شده و دومی در اواخر تیر امسال طرح و تصویب شده است.

برای تصویب لایحه اول جمعی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی در نامه‌ای به مسعود پزشکیان درباره این طرح اعتراض کردند و نوشتند: «ما به‌عنوان جمعی از نمایندگان مجلس، به‌درستی از این اقدام دولت ابراز نگرانی می‌کنیم. این لایحه، نتهت‌ها در تضاد صریح با اصل ۱۴۹ قانون اساسی قرار دارد، بلکه مغایر با فرمایشات مکرر رهبر معظم انقلاب درباره «لزوم شنیدن صدای مردم» و «تقویت سرمایه اجتماعی» است. سانسور و تحدید، نه ابزار تبیین است و نه ضامن امنیت؛ بلکه گامی در مسیر خاموش‌کردن جامعه و بستن راه اصلاح است».
همچنین پس از تصویب لایحه «تسهیم درآمد محتوا» فعالان پلتفرم‌های دیجیتال و شبکه نمایش خانگی کشور خطاب به ریاست‌جمهوری نوشتند: «ما، جمعی از فعالان پلتفرم‌های دیجیتال و سینمای خانگی کشور و شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات اینترنت و زیرساخت، به‌صراحت اعلام می‌کنیم که سند موسوم به تسهیم درآمد محتوا، تصویب‌شده در شورای عالی فضای مجازی، نه‌تنها برای صنعت محتوای کشور مفید نیست، بلکه رویکرد، ساختار و اجرای آن به طور جدی به زیان این صنعت خواهد بود. این سند با طراحی نادرست و پیچیده‌اش، به‌ویژه در نحوه جمع‌آوری درآمد از اپراتورها، انتقال آن به صندوق‌های مختلف و تخصیص سلیقه‌ای منابع، به‌وضوح منجر به بروز رانت، فساد و انحصار در صنعت محتوا خواهد شد».
برای بررسی ابعاد حقوقی و قانونی این ماجرا با وحید آگاه، حقوق‌دان، گفت‌وگو کرده‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

● ● ●

درحال حاضر، رئیس مجلس در صحن علنی مجلس اعلام کرد شرایط ویژه‌ای برای پلتفرم‌ها فراهم شده تا بتوانند در تلویزیون تبلیغ داشته باشند. از سوی دیگر، شورای عالی فضای مجازی مصوبه‌ای با عنوان «تسهیم درآمد محتوا» تصویب کرده و براساس آن، این شورا خواستار نظام ویژه‌ای برای سکوها شده است. این دو موضوع تا چه اندازه با یکدیگر در تعارض و تضاد قرار دارند؟

به نظر می‌رسد برای بررسی دقیق‌تر، باید به چند نکته به صورت هم‌زمان توجه داشت. نخست اینکه مباحث مطرح‌شده از طرف رئیس مجلس، از مصوبه‌ای به تاریخ ۲۵ شهریور ۱۳۹۹ نشست می‌گیرد که با عنوان «طرح کلان و معماری شبکه ملی اطلاعات» شناخته می‌شود. از سال ۱۳۹۹ تاکنون، گام‌هایی برای اجرای این شبکه برداشته شده، اما خوشبختانه تا امروز به محصول نهایی نرسیده. دلیل استفاده از واژه «خوشبختانه» این است که



مجلس شورای اسلامی ایران در تهران

بررسی لایحه‌های دولت درباره محتوای فضای مجازی در گفت‌وگو با وحید آگاه

ما با انباشت مقررات بدون اجرا و اجماع

مواجه هستیم

اجرای کامل شبکه ملی اطلاعات به معنای دسترسی گران‌تر مردم به اینترنت، محدودیت‌های جدی در دسترسی و تقریباً از بین رفتن مفهوم حریم خصوصی خواهد بود. اگرچه ادعا می‌شود این شبکه با هدف خدمات‌رسانی بهتر و مطلوب‌تر طراحی شده، اما در عمل نمی‌تواند این هدف را محقق کند و حقوقی مانند آزادی بیان و آزادی ارتباطات که در اصول ۲۴ و ۲۵ قانون اساسی و دیگر مفاد این قانون پیش‌بینی شده‌اند، در این طرح مورد توجه قرار نگرفته‌اند.

ازاین‌رو بنیان بحث به صورت اساسی نادرست است. خواسته اصلی مردم، این است که بتوانند براساس انتخاب آزاد خود، از میان سکوهای داخلی و خارجی استفاده کنند. هیچ‌یک از نهادهای حاکمیتی اعم از پارلمان، شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی فضای مجازی، اختیار قانونی برای محدودسازی حق انتخاب مردم در استفاده از ابزارهای ارتباطی را ندارند. این امر مانند آن است که بخش‌نامه‌ای صادر شود و مردم موظف شوند تنها یک نوع یا رنگ خاص از لباس را بپوشند و حق انتخاب میان برنده‌ها از آنان سلب شود. واقعیت این است که مردم به صورت طبیعی، میان کالاهای داخلی و خارجی حق انتخاب دارند و در نهایت این کیفیت، قیمت و نحوه عرضه و تقاضاست که مسیر بازار را تعیین می‌کند. بنابراین اساس و بنیان این تصمیم‌گیری، پایه‌ای نادرست دارد. از سوی دیگر، جای تعجب دارد که در میان انبوه وظایف مهمی که بر عهده صداوسیما قرار دارد، رئیس محترم مجلس اعلام می‌کند که صداوسیما باید تبلیغات رایگان برای سکوهای داخلی پخش کند.

اصلا چنین تبلیغاتی چه سودی برای این سکوها دارد و آیا آنها به این نوع از تبلیغات نیاز دارند؟

اگر پلتفرم‌های داخلی از کیفیت لازم برخوردار باشند و عملکرد موثقی داشته باشند، مردم از آنها حمایت کرده و خود نیز هزینه‌های مربوط به تبلیغات را تأمین خواهند کرد و نیازی به تبلیغات رایگان صداوسیما نخواهد بود.

برای مثال، کسب‌وکارهایی مانند «نماوا» و «فیلمو» که مورد استفاده گسترده مردم قرار دارند، یا پلتفرمی مانند «کارزار» که در زمینه مشارکت اجتماعی فعالیت دارد، تاکنون تبلیغاتی از سوی تلویزیون دریافت نکرده است. حتی می‌توان گفت صداوسیما تمایل چندانی به معرفی آنها ندارد و در صورت امکان، ممکن است در مقابل آنها نیز موضع‌گیری کند.

با وجود این مردم از این پلتفرم‌ها استفاده می‌کنند و این موضوع بدون نیاز به تبلیغات رسمی از صداوسیما انجام شده، بنابراین ادعای الزام صداوسیما به تبلیغ رایگان این سکوها، آدرس نامطلوبی است که داده می‌شود. درواقع اگر هدف، سوق دادن مردم به سمت استفاده از پلتفرم‌های داخلی است، این امر صرفاً با ارتقای کیفیت خدمات آنها میسر خواهد بود. نگاهی به تجربه پیام‌رسان‌ها و شبکه‌های اجتماعی داخلی نشان می‌دهد که اگر این پلتفرم‌ها بتوانند از لحاظ کیفی خود را به سطح نمونه‌های خارجی مانند تلگرام، واتس‌اپ یا حتی اینستاگرام برسانند، مردم به صورت طبیعی به استفاده از آنها روی خواهند آورد. بنابراین تذکر به صداوسیما برای تبلیغ رایگان این پلتفرم‌ها، کارآمد نیست. صداوسیما طبق قانون اساسی، صرفاً یک نهاد اجرایی است که تولید و پخش محتوای رسانه‌ای را بر عهده دارد. نباید از این جایگاه، کارکردهایی فراتر انتظار داشت.

آیا دستگاهی که خود تولیدکننده محتواست و در فرایند رقابت فعالانه حضور دارد، می‌تواند نقش رگولاتوری را نیز ایفا کند؟

چگونه ممکن است از یک رسانه که در رقابت مستقیم با دیگر سکوها و پلتفرم‌های داخلی قرار دارد، انتظار حمایت

و تبلیغ برای همان رقبا را داشت؟ چنین وضعیتی نه‌تنها غیرمنطقی، بلکه از اساس دچار تضاد منافع است. فضایی که برای نقش صداوسیما در این زمینه ترسیم شده، کاملاً اشتباه است. صداوسیما خود رقیب پلتفرم‌های داخلی محسوب می‌شود. با این حال، از این نهاد خواسته می‌شود تا برای این رقبا تبلیغات رایگان ارائه دهد؟ این دقیقاً مصداق تعارض منافع است، زیرا انتظار می‌رود یک رقیب، هم‌زمان مسئول حمایت، تنظیم‌گری (رگولاتوری) و حتی نظارت بر دیگر رقبا باشد.

از سوی دیگر، باید مصوبه مربوط به شبکه ملی اطلاعات را کنسار مصوبه ۲۳۸۴۲ شورای عالی فضای مجازی که با عنوان «بررسی راهکارهای افزایش سهم ترافیک داخلی و مقابله با پالایش» مطرح شده، قرار داد. همچنین به‌تازگی دولت در اقدامی، لایحه‌ای با عنوان «مقابله با انتشار محتوای خبری خلاف واقع در فضای مجازی» را در تیرماه به مجلس شورای اسلامی ارسال کرده است. کنار هم قراردادن این سه سند و رویکرد، تصویری نگران‌کننده را نمایان می‌کند. در این تصویر، ما شاهد محدودسازی حق انتخاب مردم و تلاش برای واگذاری اختیارات نظارتی به نهادی هستیم که خود ذی‌نفع اصلی در رقابت رسانه‌ای است.

آیا مصوبات اخیر مبنی بر «تسهیم درآمد محتوا» آینده اقتصاد دیجیتال کشور را تهدید می‌کند؟

اساساً این نوع سیاست‌گذاری‌ها، می‌توانند به ضرر اکوسیستم دیجیتال و رسانه‌ای کشور تمام شود. در این راستا، پیشنهاد می‌شود پیش از تصویب و اجرای چنین مصوباتی، گفت‌وگوهای جدی با بازیگران اصلی این حوزه ازجمله اتحادیه‌های وی‌اودی، اتحادیه پلتفرم‌های داخلی و دیگر ذی‌نفعان صورت گیرد. خود این نهادها باید در تدوین متون قانونی مشارکت داشته باشند، نه آنکه از بالا دستوری بر آنها تحمیل شود، بدون اینکه بداندن این مصوبات دقیقاً چه تأثیری بر حقوق آنها دارد یا چه حق‌هایی از آنان سلب خواهد شد.

درواقع در شرایط لازم ضرورت بازنگری در مسیر فعلی سیاست‌گذاری فضای مجازی وجود دارد؟

در شرایط فعلی، شاهد آن هستیم که به صورت مداوم، مصوبات و لوایح جدیدی در حوزه فضای مجازی از سوی نهادهای مختلف قانون‌گذار و تنظیم‌گر ارائه می‌شود. درحالی‌که هنوز بسیاری از چالش‌ها و ابهامات مصوبات پیشین رفع نشده‌اند، مقررات جدیدی بدون ارزیابی تأثیرات مصوبات قبلی، به صورت پیاپی تصویب می‌شوند. پیشنهاد من این است که نهادهای قانون‌گذار و تنظیم‌گر، پیش از هر اقدام جدید، یک نفس عمیق بکشند و برای مدتی فرایند قانون‌گذاری و مقررات‌گذاری را متوقف کنند. اجازه دهند سازوکار عرضه و تقاضا در جامعه مدنی مسیر خود را طی کند. مردم و بازیگران واقعی فضای دیجیتال، در صورت نبود موانع و محدودیت‌های غیرضروری، به طور طبیعی راه‌حل‌های مؤثر و کارآمد را پیدا خواهند کرد. ما امروز در نقطه‌ای قرار داریم که به واسطه تصمیم‌گیری‌های شتاب‌زده، عملاً با انباشت مقررات بدون اجرا و بدون اجماع مواجه هستیم، مقرراتی که بسیاری از آنها از سوی حقوق‌دانان، جامعه مدنی، و فعالان فضای مجازی مورد نقد و اعتراض جدی قرار گرفته‌اند.

تقریباً هر روز، با مصوبه یا لایحه جدیدی روبه‌رو می‌شویم، درحالی‌که هنوز مسائل اجرایی، حقوقی و عملیاتی مصوبات پیشین حل‌وفصل نشده‌اند. این روند، نه‌تنها به بهبود وضعیت موجود کمک نمی‌کند، بلکه با ایجاد انبوهی از دستورالعمل‌های اجرایی و نظارتی، عملاً فضای آزادی در اینترنت را هر روز محدودتر می‌کند.

موفقیت جهانی نمایش «منگی» در جشنواره تئاتر گرجستان

دکوراتوز: مهدی منوری و بهنام مالکی، دستیار صحنه؛ وحید محققی و محمد شریفی، تبلیغات؛ تئاتر فارسی، مشاور رسانه‌ای و روابطعمومی؛ علی کیهانی، طراح تیزر تبلیغاتی؛ آیدین ایمانی، دیگر عوامل این نمایش هستند. پوستر بین‌المللی این نمایش توسط حامد فرهی طراحی شده است. گروه نمایش «منگی» از همراهی و حمایت‌های مؤثر آلبرت بیک‌جانی و سامان خلیلیان در فرایند هماهنگی برای حضور در این رویداد بین‌المللی و تعامل اداره کل هنرهای نمایشی صمیمانه سپاسگزار است.

لازم به ذکر است نمایش «منگی» در تهران بیش از ۷۰ اجرا داشته و پیش‌تر در جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر، در بخش‌های کارگردانی، بازیگری، طراحی لباس و طراحی کریم، نامزد دریافت جایزه شده بود.

اخبار برگزیده

بررسی نسبت گیشه با سینمای ایران

شب نهم از سلسله نشست‌های «سینما رو به آینده» شنبه‌شب ۱۱ مرداد به بررسی نسبت گیشه با سینمای ایران می‌پردازد. دور جدید سلسله نشست‌های «سینما رو به آینده» که از طرف سازمان سینمایی سوربه به میزبانی امیر قادری و با حضور صاحب‌نظران سینمایی برگزار می‌شود، به نهمین جلسه خود رسیده است و شنبه‌شب ۱۱ مرداد با هدف بررسی نسبت گیشه با سینمای ایران برگزار می‌شود.



در این نشست سیدجمال ساداتیان تهیه‌کننده سینمای ایران، مهدی کریم‌پور رئیس جدید شورای صنفی نمایش و سجاد نوروزی از جمع سینماداران، حضور خواهند داشت. به‌این‌ترتیب این نشست تخصصی، شنبه ۱۱ مردادماه رأس ساعت ۱۷:۳۰ تا ۱۹ تا در سالن «شهر خاطره» پردیس سینمایی آزادی برگزار می‌شود.

جیمز کامرون امتیاز یک کتاب پرفروش فانتزی را خرید فیلمی برای سرگرمی مهر-جیمز کامرون هنوز به ساخت فیلم «ارواح هیروشیما» که قرار بود پروژه بعدی او خارج از دنیای «آواتار» باشد، متعهد است امنا به‌تازگی شیفته یک کتاب به نام «شیاطین» شده است.

او علاوه بر «ارواح هیروشیما»، در حال نوشتن فیلم‌نامه جدیدی برای «ترمیناتور» است و به ساخت یک مجموعه انیمیشن مرتبط با آواتار هم فکر می‌کند، اما به‌تازگی امتیاز رمان فانتزی تازه منتشرشده جو آبرگرومی با عنوان «شیاطین» را که به صدر فهرست پرفروش‌ترین‌های نیویورکتایمز رسیده، خریده است. کامرون قرار نیست فقط تهیه‌کننده این فیلم باشد. او می‌خواهد خودش آن را بسازد. او فیلم‌نامه را هم خواهد نوشت و احتمالاً فیلم را کارگردانی هم خواهد کرد. این کارگردان گفته این یک حرکت حرفه‌ای حساب‌شده نبود و بیشتر به دلیل سرگرم‌کننده بودن آن، جذبش شد.

او در مصاحبه با مجله امپایر درباره این رمان می‌گوید: دیوانه‌کننده است. همه چیز از اساس اشتباه است و البته حق با اوست، چون طرح داستان دیوانه‌کننده است و همه جور شخصیت از راهبان تا شوالیه‌های جاودان، گرگینه‌ها، الف‌ها، دزدان دریایی، خون‌آشام‌ها و جادوگران را شامل می‌شود.

«شیاطین» رمانی فانتزی است که در دنیایی خشن و جنگ‌زده پر از جادوی سیاه، دسیسه‌های سیاسی و درگیری‌های وحشیانه اتفاق می‌افتد. این رمان داستان مردی محکوم به اعدام را روایت می‌کند که سابق بر این یک زنرال بدنام و حيله‌گر بود و حالا از صف بیرون می‌آید تا مأموریتی سخت را رهبری کند و فرماندهی گروهی از جنایت‌کاران، مرتدان و مطرودان را که به «شیاطین» معروف هستند، بگیرد تا به کمک بشریت در حال شکست در برابر دشمنان هیولایی بروند.

او اذعان کرد: این فیلم آن حس‌وحال «آواتار» را ندارد. «هیروشیما» هم فیلمی است که باید ساخته شود، اما «شیاطین» فیلمی است که باید برای سرگرمی ساخت. کامرون ۷۰ساله هنوز باید «آواتار ۴» و «آواتار ۵» را تکمیل کند و درباره «هیروشیما» هم، او به یک ژاپنی بازمانده از انفجار در بستر مرگ، قول داده که این فیلم را خواهد ساخت.

